

برخی نتایج انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م) و اشتراکات آنها با انقلاب اسلامی ایران

عباسعلی رضوی پیرانشاهی*

عضوهیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر

چکیده

انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م) پیامدهای بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشت، پیامدهایی که تا آن زمان جوامع انسانی و اروپا به خود ندیده بود. پیامدهایی که جامعه بشری تا کنون مدیون و مرهون بسیاری از آنهاست و خواهد بود! از جمله اثربخش‌ترین این نتایج؛ پایان تسلط نظام فئودالیت و روی کارآمدن نظام بورژوازی، مدرنیته و تشکیل «ملت» در فرانسه و سپس اروپا و جهان بود. به عبارت دیگر این انقلاب، سرآغازی بود برای پایان دادن به نظام فئودالیت و قدرتگیری نظام بورژوازی در جهان. انقلاب فرانسه دوران تازه‌ای را در اروپا و جهان رقم زد به گونه‌ای که این زمان را آغازی شد برای تاریخ معاصر اروپا و جهان. از پیامدهای اساسی و مبنایی این انقلاب یکی قدرتگیری طبقه بورژوازی بود، که مناسبات تازه‌ای را در جهان رقم زد. دیگر اینکه مردم و اقوام مختلف فرانسه، برای اولین بار در جهان به شکل عملی به واژه «ملت» و ملی معنا بخشیدند! به عبارت دیگر اینکه تا این زمان، واژه‌ی ملت-naion- به صورت غیر تئوریک وجود نداشت! پیامد اساسی دیگر: شکست مناسبات فئودالیت در اروپا، همچنین آغاز شکست کلیسا، پاپ و در نهایت امپراتوری مقدس روم و ژرمن بود. از این زمان اروپا و به دنبال آن جهان وارد مناسبات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی تازه‌ای شد که با مناسبات پیشین کاملاً و اساساً متفاوت بود. به استناد این دگرگونی‌های متعدد و

تغییرات اساسی بود که، زمان این انقلاب، آغاز تاریخ معاصر اروپا و جهان غرب قرار گرفت.
واژگان کلیدی: انقلاب- فرانسه- نتایج انقلاب- بورژوازی- پیدایش ملت

مقدمه

با نگاهی به تاریخ انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م) شگفتی‌های خاص آن است که توجه را جلب میکند، شگفتی‌هایی که به حق نام «کبیر» را برانده آن می‌کند. این انقلاب، آنچنان دست‌آوردی به دنبال داشت که جهان تا کنون مدیون و مرهون بسیاری از آنهاست! فرانسه France کشوریست در اروپای غربی با وسعتی حدود ۵۴۸۰۰۰ ک.م که از نظر وسعت چهل و پنجمین کشور جهان است. در میانه قرن اول قبل از میلاد، رومی‌ها بر بومیان این منطقه (گل) مسلط شدند. در اواخر قرن پنجم میلادی فرانک‌ها به جای رومیان بر «گل» حاکم شدند. از آن زمان تا مقطع انقلاب کبیر، چندین سلسله بر این منطقه حکمرانی داشتند که عبارت بودند از: مروونژین‌ها، کارولنژین‌ها، اعراب که بر مناطق جنوبی «گل» حاکم بودند، امپراتوری مقدس روم و ژرمن که از سلسله «کاپسین والوا» بودند، و سلسله کاپسین بوربن، که آخرین پادشاه فرانسه یعنی لویی شانزدهم از این سلسله بود. از این زمان (۱۷۹۲ م) یعنی سقوط سلطنت لویی شانزدهم تا ۱۷۹۹م یعنی روی کار آمدن ناپلئون بناپارت، فرانسه به وسیله نیروهای انقلابی اداره می‌شد. این دهه یکی از شاخص‌ترین دوران در تاریخ فرانسه و اروپا محسوب می‌شود که البته دوران فرمانروایی ناپلئون بناپارت (۱۷۹۹ تا ۱۸۱۵ م) نیز برای فرانسه، اروپا و حتی بخشی از جهان، یکی از شگفت‌انگیزترین دوران‌هاست!

این دوران هفده ساله در فرانسه (۱۷۸۹ تا ۱۸۱۵) را می‌توان یکی از شگفت‌انگیزترین و موثرترین پیامدی دوران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تاریخ اروپا و جهان دانست. با نگاهی به برخی از پیامدهای آن می‌توان به این مهم (مدعا) پی برد.

انقلاب و پیامدهای آن

در ۱۷۱۵ با مرگ لویی چهاردهم فرزند پنج ساله‌اش به نیابت فیلیپ د-اورلئان به سلطنت می‌رسد. او پس از رسیدن به سن قانونی- با استبداد- خود اریکه سلطنت به‌دست می‌گیرد. در زمان او جنگ‌های متعددی صورت می‌گیرد، از جمله جنگ‌های جانشینی اتریش از ۱۷۴۰

تا ۱۷۴۸ م همچنین جنگ‌های هفت ساله ۶۳-۱۷۵۶ م که فرانسه را دچار ضعف مالی و ناآرامی می‌کند.

پس از مرگ وی یکی از نوادگانش به نام لویی شانزدهم در ۱۷۷۴ م به سلطنت می‌رسد، در واقع او وارث یک فرانسه بحران زده که سخت دچار ضعف مالی است می‌شود. او با انتخاب تورگو - که شخصی کاردان و درستکار بود - به وزارت دارایی، سعی در بهبود اوضاع می‌کند، تورگو با حذف مزایای دربار و مخارج بیهوده، اصلاحاتی در اوضاع مالی فرانسه بوجود می‌آورد، اما تحت فشار دربار و بخصوص ملکه ماری آنتوانت، شاه او را عزل و نکر Neker را به جای او منصوب می‌کند. فرانسه که بر اثر جنگ‌های گذشته و مخارج بیهوده دربار و ملکه، همچنین کمک به جنگ‌های استقلال آمریکا - برای انتقام از انگلستان - دچار ورشکستگی شده بود، نمی‌تواند او را از این اوضاع نجات دهد، بنابراین لویی، نکر را نیز در ۱۷۸۱ م عزل و کالون Kalon را به وزارت دارایی و مالیه منصوب می‌کند. او نیز نمی‌تواند در امر بهبود خزانه کاری از پیش ببرد، پس «دوبرین» جای او را می‌گیرد اما او نیز نتوانست دولت را از ورشکستگی فزاینده نجات بخشد.

شاه که چاره را در وصول مالیات بیشتر می‌بیند در ۱۷۸۷ م انجمن بزرگان را فرا می‌خواند و از آنها می‌خواهد که به وصول مالیات از طبقات ممتاز رضایت دهند این انجمن نمی‌پذیرد و پیشنهاد می‌کند تا برای چگونگی وضع مالیات جدید «مجلس طبقات» را که از سال ۱۶۰۰ م تشکیل نشده بود را تشکیل بدهند. شاه نمی‌پذیرد و حتی به تبعید مخالفان خود می‌پردازد و باز نکر را در ۱۷۸۸ م روی کار می‌آورد، از آنجا که هیچکدام از این اقدامات به بهبود اوضاع فرانسه کمکی نمی‌کند - و به دنبال شورش‌هایی که در واقع سرآغاز انقلاب بود - شاه با این امید که مجلس راهی برای چگونگی اخذ مالیات جدید و وصول آن از بزرگان و طبقات ممتاز و روحانیون ارائه دهد رأی به تشکیل «مجلس طبقات عمومی» می‌دهد.

این مجلس در ۴ مه ۱۷۸۹ م از طبقات مختلف فرانسه (روحانیون، اشراف و نخبا) و طبقه سوم (تمام مردم فرانسه بجز افراد طبقه اول و دوم) تشکیل شد. با این ترتیب - بی آنکه کسی متوجه باشد - انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله‌ی خود می‌شود. این مجلس با حوادث مهم و متعددی که داشت، طی یک دوره‌ی دو - سه ساله باعث تغییر شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرانسه گردید! و با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت نه تنها شرایط فرانسه و اروپا، اوضاع جهان

نیز وارد مرحله‌ای تازه از حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌گردد! که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: در این زمان فرانسه دارای بیست و نه میلیون نفر جمعیت بود.

برخی نتایج و پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه

- تغییر رژیم سلطنتی به رژیم مشروطه سلطنتی و سپس رژیم جمهوری
- این انقلاب آغازی شد برای تاریخ معاصر اروپا
- استفاده از دستاوردهای فکری «عصر روشنگری» و راسیونالیزم و دوری جستن از خرافه پرستی‌های کلیسایی
- تغییر و دگرگونی در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرانسه
- تضعیف قدرت کلیسا و روحانیون و شاهان
- محترم شمردن آزادی و افکار و مطبوعات
- شکست مناسبات فئودالی و قدرت‌گیری طبقه نوپای بورژوازی
- شکست سلطنت و اینکه دیگر سلطنت یک موهبت الهی محسوب نمی‌شد، بود [تا این زمان سلطنت یک ودیعه و موهبت الهی]
- تغییر اساسی در سیستم اقتصادی، مالی، صنعت و تجارت
- مطرح شدن سوبسید (یارانه)، برای اولین بار که به برخی صنایع (نظامی و غذایی) داده می‌شد، یعنی زمانی که مردم در ۳۰ مه ۱۷۹۳ م به مجلس کنوانسیون هجوم برده و خواهان محاکمه‌ی ژیروندن‌ها شدند، در همان جا نیز خواستار تعیین قیمت نان در سراسر فرانسه، با یک نرخ، یعنی ۳ «سو» شدند و گفتند، ضرر و زیان آن به ما مربوط نیست و دولت اضافه آن را باید از ثروتمندان بگیرد. و بدین شکل اولین بار در جهان موضوع سوبسید بوجود آمد!
- ایجاد مجلس قانونگذار توسط مردم و تفکیک قوا، آزادی مذاهب مختلف
- ایجاد حکومت جمهوری برای اولین بار در فرانسه
- لغو بیگاری (کاربی مزد کشیدن از رعیت‌ها توسط فئودالها)
- افزایش مهاجرت‌های پی‌درپی، که باعث تبادل افکار و فرهنگ‌های مختلف می‌شد.
- افزایش ماشینی شدن تولیدات
- تدوین قانون اساسی فرانسه با الهام از پیش‌نویس قانون اساسی امریکا. این قوانین در فرانسه پیش‌نویسی شدند برای اعلامیه حقوق بشر در ۱۹۴۸ م

- لغو امتیازات طبقاتی و توجه به لیاقت و استعداد برای کسب مشاغل
- تقسیمات جدید سیاسی و اجتماعی در اروپا (طی کنگره یوین در ۱۸۱۵م) و به استقلال رسیدن کشورهایمانند: هلند، بلژیک و...
- اختراع گیوتین، برای سهولت در اعدام‌های پیاپی، توسط ژوزف ایگناس گیوتین، (پزشک فرانسوی)
- تئوریزه شدن جریانات یک انقلاب. مشخص و ثابت شد که هر حرکت و انقلابی وابسته به یک سری علل و عوامل است و اینکه هر انقلابی مانند انقلاب ۱۷۸۹م حتماً یک سری نتایج اساسی به دنبال خواهد داشت.
- نشر اسکناس (آسی‌نیا) به معنای امروز (پول دارای پشتوانه) اموال مصادره شده‌ی کلیسا پشتوانه پول فرانسه شدند.
- نشر اسکناس بدون پشتوانه بر اثر فشارهای مالی ناشی از جنگ‌های پی در پی فرانسه با دولتهای دیگر اروپا
- تقسیم کشورهای مستعمره بین کشورهای استعمارگر اروپایی، بخصوص پس از شکست ناپلئون
- جدایی دین از سیاست در فرانسه و سپس اروپا
- رشد واقع‌گرایی و رئالیست در هنر، ادبیات و موسیقی در فرانسه
- تفویض حق رأی به تمام مردم «چه فعال و چه غیر فعال»
- تساوی حقوق زن و مرد در برخی امور
- اختراعات صنعتی پی در پی و اصلاح برخی صنایع و مواد مانند باروت و... (توسط لاووازیه شیمی‌دان)
- رشد اندیشه‌های نوین در سیاست، هنر، علم و...
- تغییر تقویم و تغییر نام ماه‌ها و تغییر تعطیلی در یک‌شنبه‌ها
- رشد ناسیونالیسم و راسیونالیسم و...
- پیدایی مفاهیم سیاسی جدید مثل چپ، راست، میانه‌رو، انقلاب، انقلابی، ضدانقلابی، شورش، کودتا و... که در جریان انقلاب بخصوص در ۲۰ سپتامبر ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵ معمول شد، یعنی دوره‌ی مجلس کنوانسیون

- ظهور ناپلئون از میان ناامنی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ترس از دشمنان خارجی و داخلی
- تغییر نقشه اروپا با روی کار آمدن ناپلئون
- تأثیر انقلاب کبیر فرانسه در وقوع انقلابات دیگر، مثل مشروطه در ایران، انقلاب روسیه و انقلابات قاره‌ی آمریکا
- پیدایش تفکرات لادینی و تهاجم به دین
- تغییر پرچم به سه رنگ سرخ و سفید و آبی به نشانه اینک هر پرچم سه رنگ به مفهوم ملتی نوظهور است.
- تشکیل کنگره‌ی وین از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۵ م و تقسیم سرزمین‌ها و کشورهای جدید اروپا
- بروز اندیشه‌های، آزادی خواهانه در آمریکای لاتین تحت تاثیر انقلاب فرانسه (تحصیل کری یول‌ها در اروپا و برگشت آنها به امریکا و مبارزه جهت استقلال کشورهای این منطقه مثل بولیوی، برزیل، هائیتی و غیره)
- تجزیه امپراتوری مقدس روم و ژرمن، توسط ناپلئون و پیدایش اتحادیه ژرمنی در ۱۸۱۵ در ایالات آلمانی
- پیدایش زمینه برای اتحاد ایتالیا با حمله‌ی ناپلئون به آنجا و فتح مناطق پراکنده‌ی آن تحت یک فرمان
- لغو بردگی در بسیاری از کشورها (آفریقا و آلمان)
- آزادی یهودیان توسط ناپلئون به دنبال شعار آزادی، برابری و برادری (شعار اصلی انقلاب)
- ابداع نشان لیاقت «لژیون د- نور» توسط ناپلئون (نشانی که در ۱۸۰۲ م برای تشویق فرماندهان کشوری و لشکری و دسته‌بندی آنها، بوجود آمد و طبق لیاقت به افرادی اهدا می‌گردید و تاکنون مرسوم است)
- انتخاب سرود ملی فرانسه (مارسییز)، توسط یک افسر جوان به نام، روژه د- ولیل
- پیدایش مفهوم «مهاجر» (میگره)، یعنی نامی که کشورهای خارجی مهاجرپذیر، به تبعیدیان یا فراریان اجباری فرانسوی می‌گفتند.
- استفاده از رنگ قرمز، بخصوص در کلاه به نشانه رنگ خون و انقلاب

- اصلاحات ارضی و پیدایی مالکین جدید از کشاورزان بی‌زمین، به طوری که بسیاری از زارعین صاحب زمین شدند. (بر اثر مصادره املاک کلیسا و یا مالکین بزرگ و یا فراری و واگذاری آنها به زارعین)

- ابداع مالیات‌های غیرمستقیم به وسیله‌ی گودن، وزیر مالیه بناپارت در ۱۸۰۹م
- شرکت مردم در جلسات مجلس که از زمان نقل مکان مجلس در ۱۶ اکتبر ۱۷۸۹ مرسوم شد.
- خواندن خط هیروگلیف و راهگشایی علوم جدید توسط دانشمندانی که همراه ناپلئون به مصر رفته بودند. و پیدایی علم مصرشناسی
- اقدام به حفر دوباره کانال سوئز پس از اعصار قدیم، بدستور ناپلئون در مصر (البته بی‌نتیجه ماند)

- پیدایی مفهومی جدید در مورد انقلابات، یعنی اینکه «انقلاب فرزندان خود را می‌خورد» (توسط ورنیو که خود از انقلابیونی بود که بعد به گیوتین سپرده شد)
- معشوش کردن صفوف انقلابیون و ضد انقلاب برای تهمت زدن و اعدام آنها! پس از فرانسه در بسیاری کشورها باب شده است!
- ایجاد شناسنامه‌های کار و تسلط بورژوازی صنعتی بر کارگران
- ایجاد بیمه بیکاری و خدمات پزشکی برای کارگران و مستمندان و حمایت از سالخوردگان که از قوانین تصویبی دوران کنوانسیون بود.

- لغو مالیات‌های پیش از انقلاب و وضع مالیات‌های مستقیم مثل مالیات بر مستغلات (مکان‌های اجاره‌ای) و مالیات بر درآمد اشخاص و... و مالیات‌های غیرمستقیم مثل بهای تمبر و گمرکات و... که از آن زمان تاکنون در فرانسه و بسیاری کشورها معمول است.
- ایجاد اصول و مبانی تعلیمات عمومی در امر آموزش و پرورش و متخصص پروری و اشاعه سواد که در رأس این سیستم دانشگاه قرار داشت و هنوز در فرانسه و برخی کشورها معمول است.

- یک سری ابداعات در امر نظام و آموزش سربازان و پیدایش رمزها مثل «اسم شب» برای تسهیل تردد افراد خودی در محل نگهداری سربازان در شب، که در زمان ناپلئون معمول شد.
- ایجاد نظام وظیفه اجباری توسط کنوانسیون در ۲۳ اوت ۱۷۹۳م
- ایجاد مقرراتی سخت در نظام وظیفه (ارتش)

- کنار گذاشتن القابی چون دوک و کنت، مسیو و آقا و جایگزینی کلمه‌ی «همشهری». تمام افراد را از هر طبقه و مقام به شرط آنکه در خط انقلاب باشند را به این نام می‌خواندند (همشهری)

- معمول شدن کلمه «**باطری**» که از اصطلاحات نظامی است. در فرانسه به شش عراده توپ اطلاق می‌شد. معمول شدن آن در پاره‌ای از کشورها از جمله ایران

- استفاده از افرادی در مجلس برای کانالیزه کردن یک سری خواسته‌ها و تحمیل آن به مجلس از طریق تشویق یا برپا کردن سر و صدا به عنوان اعتراض (از زمانی که اجازه دادند تماشاچی در جلسات مجلس شرکت کند، هر گروه که بیشترین حامیان را داشت، از امتیاز بیشتری جهت تصویب لایحه مورد نظر خود سود می‌برد، مثل استفاده روبسپیراز «زنان بافنده» حامی او در مجلس)

- بکارگیری **تبلیغات**، توسط دولت برای سرپوش گذاشتن بر ضعف‌هایش! که این موضوع جزو فعالیت‌های رسمی دولت درآمد! از ژوئیه ۱۷۹۳م به بعد، فرانسه تحت فشار دشمنان داخلی و خارجی و بحران‌های اقتصادی قرار داشت و نمی‌توانست به کارهای مردم رسیدگی کند، برای رفع این ضعف به تبلیغ از کارهای خود می‌پرداخت! این موضوع (تبلیغات) در دیگر دولت‌ها نیز مرسوم شد و سرپوشی شد برای ضعف‌ها (هرگاه دولت دچار ضعف بود از تبلیغ استفاده می‌کرد!)

- ایجاد اولین نهضت بزرگ فکری در انقلابات و مسیحیت غربی که اثری واقعی و مشهود بر جهان اسلام گذاشت.

- پیدایی کلمه‌ی «**میهن**» که اقتباسی بود از کلمه‌ی ترکی «وطن» که به زادگاه یا محل اقامت اشخاص اطلاق می‌شد.

- ایجاد وحدت بین تمام ایالات متعدد فرانسه و تشکیل یک **ملت واحد** که از یک قانون و رهبری پیروی می‌کردند.

- تأسیس یک روز ملی برای سراسر فرانسه ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰م سالروز فتح زندان باستیل روز ملی فرانسه قرار گرفت.

- تغییر مفهوم کلمه‌ی آزادی که تا پیش از ۱۷۹۳م لفظی حقوقی بود، از آن به بعد با توجه به قانون اساسی جدید (سال ۱۷۹۳م) محتوای سیاسی پیدا کرد و یک لفظ سیاسی شد.

- انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹م معیاری شد برای سنجش انقلابات، قیامها، شورشها و کودتاهای پس از خود و حتی بررسی مجدد انقلابات پیش از خود (۱۷۸۹م)!
- معمول شدن احزاب، گروهها و دسته‌های سیاسی متعدد، این احزاب و سازمانها در تعیین و تغییر سیاستهای بعدی دولت نقش تعیین کننده ایفاء می کردند. پس از آن تاسیس احزاب سیاسی با اندیشه در کشورهای دیگر معمول شد.
- تمایل به رژیم پیشین پس از انقلاب و کشمکش‌هایی که بین طرفداران رژیم پیشین با انقلابیونی که از انقلاب ناراضی شده بودند از یک طرف و انقلابیون از سوی دیگر بوجود آمد و این موضوعی بود که بناپارت از آن سود برد و توانست به قدرت برسد.
- تدوین نخستین مانیفست کمونیستی معاصر، نتیجه‌ی این دوران بود که توسط کولود، اربوا، فوشه و «کمیته دوازده نفره» (کمیته نجات ملی) در امر محاکمه‌ی مظنونان، در لیون تدوین شد.
- اصلاح اوزان، مقادیر و مقیاس‌ها که امروزه «سیستم متریک» گفته می‌شود. این موضوع که توسط مجلس کنوانسیون (۲۲ سپتامبر ۱۷۹۲ - ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۵) معمول گردید، در اکثر کشورها بکار گرفته شد.
- بکار بردن کلمه‌ی «کاخ شهرداری» برای بلدیة، از زمانی که، شهرداری، مقر خود را کاخ (هتل) «دو ویل» قرار داد.
- معمول شدن این کلمه (کاخ شهرداری) در کشورهای دیگر مثل ایران!
- از میان رفتن القابی چون نجابت و نجیب‌زادگی که امتیاز محسوب می‌شد. پس از انقلاب دیگر آن القاب، امتیاز شمرده نمی‌شدند. توجه به لیاقت، استعداد، علم و دانش به جای نجابت که یک امتیاز ارثی بود.
- جایگزینی نظام اقتصاد سرمایه‌داری به جای نظام اقتصاد فئودالی
- ابداع و بکارگیری روشهای تازه‌ای در جنگ، بخصوص بکارگیری توپخانه حتی در سرکوب شورشهای داخلی، که اولین بار در ۱۷۹۷ توسط ژرور که از طرف ناپلئون برای سرکوب شورش سلطنت طلبانی که از نبرد ایتالیا برگشته بودند بکار گرفته شد.
- بوجود آمدن زمینه‌ی اتحاد آلمان، با شکست امپراتوری مقدس روم و ژرمن!
- اشاعه‌ی لیبرالیسم و قانونمند شدن آن به جای مناسبات استبدادی فئودالیزم

- وضع «قانون نامه ناپلئون» هر جا این قانون نامه به اجرا درمی آمد، عصر تازه ای در امور سیاسی و اقتصادی آغاز می شد.
- مطرح شدن واژه جدید «طبقه سوم» توسط سی یس (یکی از رهبران انقلاب)
- اندیشه اروپایی واحد که از اعتقادات ناپلئون بود و امروز عملی شده است!
- بسیاری از مفاد «قانون نامه ی ناپلئون» تا کنون قابل اجرا می باشند و در واقع مبنای قوانین پس از خود گردیدند.
- اصطلاح «شهید زنده» که در ۲۶ ژوئیه ۱۷۹۴م (۸ ترمیدور) روبسپیر در کنوانسیون به خود می گفت.
- برای اولین بار توسط کنوانسیون در ۱۷۹۴ «تبلیغ» به طور رسمی جزیی فعالیت های دولت شد.
- پی بردن به نقش تعلیم و تربیت و تلاش جهت تسلط بر آن جهت تربیت جوانان در جهت اهداف خود (دولت)
- ایجاد مؤسساتی در دوران کنوانسیون که مبدأ و آغازی شد برای پیدایش مؤسسات بزرگ امروز فرانسه
- بکار بردن کلمه ی ایدئولوژی برای اولین بار توسط مستوت دوتراسی که مقصود او اندیشه شناسی یا دانش دیده ها (نگرش ها) بود.
- بکار بردن لفظ «حکومت موقت» برای اولین بار پس از عزل لویی شانزدهم در ۱۰ اوت ۱۷۹۲ و تشکیل حکومتی موقت که دانتون ریاست آن را بعهده داشت.
- تصویب مصونیت نمایندگان مجلس به پیشنهاد میرابوآ در ۱۷ ژوئن ۱۷۸۹ و استمرار آن تا کنون و...

نتایج مشترک برخی آنها با انقلاب اسلامی ایران

- تغییر رژیم سلطنتی به رژیم جمهوری
- تغییر و دگرگونی در کلیه ی شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران
- محترم شمردن آزادی و افکار و مطبوعات
- شکست سلطنت و اینکه دیگر سلطنت یک موهبت الهی محسوب نمی شد. [تا این زمان سلطنت یک ودیه و موهبت الهی]
- تغییر اساسی در سیستم اقتصادی، مالی، صنعت و تجارت

- مطرح شدن سوبسید (یارانه) که به برخی صنایع داده می‌شد.
- ایجاد مجلس قانونگذار توسط مردم و تفکیک قوا، آزادی مذاهب مختلف
- ایجاد حکومت جمهوری برای اولین بار در ایران
- لغو بیگاری (کاربی مزد کشیدن از رعیت‌ها توسط فئودالها)
- افزایش مهاجرت‌های پی‌درپی، که باعث تبادل افکار و فرهنگ‌های مختلف می‌شد.
- افزایش ماشینی شدن تولیدات
- تدوین قانون اساسی در ایران.
- لغو امتیازات طبقاتی و توجه به لیاقت و استعداد برای کسب مشاغل.
- اعدام سران (طاغوتی) رژیم گذشته.
- تثوریزه شدن جریان‌ات یک انقلاب. مشخص و ثابت شد که هر حرکت و انقلابی وابسته به یک سری علل و عوامل است و اینکه هر انقلابی مانند انقلاب ۱۷۸۹م حتمن یک سری نتایج اساسی به دنبال خواهد داشت.
- مصادره برخی اموال سران رژیم گذشته که به ناحق از آن خود کرده بودند.
- نشر اسکناس بدون پشتوانه بر اثر فشارهای مالی ناشی تغییر رژیم و نابسامانی‌های پس از انقلاب.
- رشد واقع‌گرایی و رئالیست در هنر، ادبیات و موسیقی و...
- تفویض حق رأی به تمام مردم «چه فعال و چه غیر فعال»
- تساوی حقوق زن و مرد در برخی امور
- اختراعات صنعتی پی‌در پی و اصلاح برخی صنایع و مواد
- رشد اندیشه‌های نوین در سیاست، هنر، علم و...
- رشد ناسیونالیزم همراه با رشد امت (ملت خواهی و امت خواهی به صورت همزمان)
- پیدایی مفاهیم سیاسی جدید مثل چپ، راست، میانه‌رو، انقلاب، انقلابی، ضدانقلابی، شورش، کودتا و... که در جریان انقلاب شدت گرفت.
- پیدایی جنگ با دشمنان خارجی- ایران و عراق- (مانند جنگ فرانسه‌ی ناپلونی با دیگر دول اروپایی)

- تأثیر انقلاب ایران در وقوع انقلابات دیگر منطقه. مانند تاثیر انقلاب فرانسه در دیگر دول اروایی.
- تغییر پرچم (نقش الله به جای شیر و خورشید)
- بروز اندیشه‌های، آزادی خواهانه انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر به.
- شعار-استقلال- آزادی، برابری و برادری تحت لوای جمهوری اسلامی.
- انتخاب سرود ملی جدید به جای سرود ملی رژیم پیشین.
- مهاجرت کشورهای همسایه به ایران اسلامی - مانند مهاجرین افغان-
- استفاده از رنگ قرمز، به نشانه رنگ خون و انقلاب، و رنگ سبز به عنوان شیعه گری، بخصوص به عنوان پیشانی بند رزمندگان جنگ ایران و عراق.
- اصلاحات ارضی و پیدایی مالکین جدید از کشاورزان بی‌زمین، به طوری که بسیاری از زارعین صاحب زمین شدند. (بر اثر مصادره املاک زمین‌دارانی که زمین‌های خود را رها کرده و مهاجرت کرده بودند و یا مالکین بزرگ و یا فراری و واگذاری آنها به زارعین)
- شرکت مردم در جلسات مجلس.
- پیدایی مفهومی جدید در مورد انقلابات،
- ایجاد شناسنامه‌های جدید کاربوته برای کارگران صنعتی.
- ایجاد بیمه بیکاری و خدمات پزشکی برای کارگران و مستمندان و حمایت از سالخوردگان.
- لغو مالیاتهای پیش از انقلاب و وضع مالیاتهای جدید.
- ایجاد اصول و مبانی تعلیمات عمومی در امر آموزش و پرورش و متخصص پروری و اشاعه سواد که در رأس این سیستم دانشگاه قرار داشت (مانند تاسیس دانشگاه آزاد و غیره)
- یک سری ابداعات در امر نظام و آموزش سربازان و شبه نظامیان (بسیجیان)
- کنار گذاشتن القابی چون دوک و کنت، مسیو و آقا و جایگزینی کلمه‌ی «برادر». تمام افراد را از هر طبقه و مقام به شرط آنکه در خط انقلاب باشند را به این نام می‌خواندند (برادر)
- معمول شدن کلمات جدید در نظام و ارتش.
- بکارگیری تبلیغات، توسط دولت.
- ایجاد اولین نهضت بزرگ فکری و دینی در انقلاب.

- ایجاد وحدت بین تمام ایالات و ولایات و اقوام در ایران به عنوان «ملت» و «امت اسلامی» واحد که از یک قانون و رهبری پیروی می کردند.
- تأسیس یک روز ملی برای سراسر ایران (۲۲ بهمن ۵۷ ه.ش) سالروز پیروزی انقلاب اسلامی.
- انقلاب اسلامی ایران معیاری شد برای سنجش انقلابات، قیامها، شورشها و کودتاهای پس از خود و حتی بررسی مجدد انقلابات پیش از خود (۲۲ بهمن ۵۷)
- معمول شدن احزاب، گروهها و دسته‌های سیاسی متعدد، این احزاب و سازمانها در تعیین و تغییر سیاست‌های بعدی دولت نقش تعیین کننده ایفاء می کردند.
- تمایل به رژیم پیشین پس از انقلاب و کشمکش‌هایی که بین طرفداران رژیم پیشین با انقلابیونی که از انقلاب ناراضی شده بودند از یک طرف و انقلابیون از سوی دیگر بوجود آمد! و برخی از این سو استفاده می کردند!
- تشکیل ارگانی جدید به نام «بسیج» در امور مختلف اعم از نظامی و سازندگی در مناطق سخت با مزد کم و یا رایگان و انقلابی «بسیجی» کار می کردند.
- اصلاح اوزان، مقادیر و مقیاسها که امروزه
- بکار بردن کلمه‌ی «شهرداری» و یا «برزن» به جای «کاخ شهرداری» و... استفاده می شد. البته این موضوع در ایران برعکس بود! چون در فرانسه به جای شهرداری، از واژه‌ی «کاخ شهرداری» استفاده می کردند!
- معمول شدن این کلمه (کاخ شهرداری) در کشورهای دیگر مثل ایران البته در پیش از انقلاب اسلامی!
- از میان رفتن القابی چون «خان» و خوانین و کدخدا و کلانتر و...! که امتیاز محسوب می شد.
- پس از انقلاب دیگر اسلامی این القاب، امتیاز شمرده نمی شدند. توجه به لیاقت، استعداد، علم و دانش به جای این القاب که یک امتیاز ارثی بودند.
- جایگزینی نظام اقتصاد اسلامی به جای نظام اقتصاد سرمایه داری.
- بوجود آمدن زمینه‌ی اتحاد ایران با یک سری از کشورهای مسلمان، مانند فلسطین و...
- مطرح شدن اندیشه اتحاد کشورهای اسلامی.
- بکار بردن اصطلاح «شهید زنده» در ایران. در ۲۶ ژوئیه ۱۷۹۴م (۸ ترمیدور) روبسپیر در کنوانسیون این واژه را برای خود بکار برد!

- مانند فرانسه که برای اولین بار توسط کنوانسیون در ۱۷۹۴ «تبلیغ» به طور رسمی جزء فعالیتهای دولت شد. در ایران هم از تبلیغ استفاده می‌شد.
- پی بردن به نقش تعلیم و تربیت و تلاش جهت تسلط بر آن جهت تربیت جوانان در جهت اهداف خود(دولت)
- بکار بردن لفظ «حکومت موقت» برای اولین بار پس از عزل لویی شانزدهم در ۱۰ اوت ۱۷۹۲ و تشکیل حکومتی موقت که دانتون ریاست آن را بعهده داشت و در ایران مهدی بازرگان ریاست آن را داشت.
- تصویب مصونیت نمایندگان مجلس به پیشنهاد میرابوا در ۱۷ ژوئن ۱۷۸۹ و استمرار آن تاکنون در فرانسه و دیگر کشورها از جمله ایران.
- و بسیاری از دستاوردهای جدید دیگر در ایران که البته در فرانسه‌ی آن دوران مطرح نبود!

نتیجه‌گیری

در مطالعه انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م) آنچه بیش از همه توجه را جلب می‌کند شگفتی‌ها و پیامدهای این انقلاب است که به حق نام «کبیر» را براننده‌ی آن می‌کند. با توجه به تعریف «انقلاب» می‌توان گفت: هر آنچه از ۱۷۸۹م تا پانزده سال بعد(روی کار آمدن ناپلئون) در فرانسه رخ داد بی‌کم و کاست، تعریف عملی «ثوری انقلاب» است، چه در زمینه‌ی علل و عواملی که منجر به یک انقلاب می‌شوند، و چه در عملکرد افراد، گروهها، سازمانها، رهبریت، ایدئولوژی، هدف و بویژه نتایجی که به دنبال داشته است و گویی «انقلاب» را از روی آن تعریف کرده‌اند. کرین بریتون مورخ شهیر آمریکایی در کتاب «کالبدشکافی چهارانقلاب» به بررسی چهارانقلاب در جهان می‌پردازد. یکی از این انقلابات و مهم‌ترین آنها انقلاب فرانسه است [سه انقلاب دیگر: ۲) انقلاب انگلستان ۱۶۵۸-۱۶۴۰ به رهبری الیور کرمول Cromwel. ۳) انقلاب استقلال امریکا در مقابل انگلستان ۱۷۷۶ و ۴) انقلاب اکتبر روسیه ۱۹۱۷م] بریتون شرایطی را برای وقوع یک انقلاب مطرح می‌کند و پیامدهایی را برمی‌شمارد که هر انقلاب واقعی این شرایط و پیامدها را باید داشته باشد، در غیر این صورت نمی‌توان نام انقلاب را به آن اطلاق نمود. اما پیامدهای انقلاب فرانسه خاص فرانسه و یا اروپا نبود، بلکه بسیاری از آنها جهان را در برمی‌گرفتند! و نه تنها شامل دوران خود بود بلکه بسیاری از آنها تا کنون ادامه دارند و یقیناً ادامه خواهند داشت! مانند بسیاری از اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

که امروز هم بکار می‌روند. در واقع انقلاب فرانسه هم به لحاظ علل و عواملی که منجر به یک انقلاب می‌شوند (مراحل یک انقلاب سازماندهی، رهبری، اندیشه، ایدئولوژی، هدف، صف‌بندی‌ها، رهبری، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و...) و بویژه پیامدهایی که به دنبال داشت معیارسنجش انقلابات پس از خود و حتی پیش از خود گردید! به عبارت دیگر هر حرکت اجتماعی که شرایط وقوع و بویژه پیامدهایی همچون انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م) را نداشت باشد در زمره ی انقلابات به حساب نمی‌آید! البته امروز که خداوندان زر و زور و حاکمین بر جهان درصدد مخدوش کردن تمامی معانی زندگی بشر می‌باشند! تعریف دیگری از انقلاب ارایه می‌دهند. و چه بسا که بطورکل اعتقاد نداشتن به انقلاب را اشاعه می‌دهند و عنوان می‌کنند که: «دوران انقلابات بسر آمده است! و چون عموم حکومتها در جهان خواهان رفاه مردمان کشور خود می‌باشند! و دوران استعمار هم بسرآمده است! پس، لزومی به انقلاب و بویژه انقلابات قهرآمیز نیست «خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

از آنجا که انقلاب کبیر فرانسه چنان دستاوردهایی به دنبال داشت که جهان تاکنون مرهون و مدیون بسیاری از آنهاست، لذا مطالعه و بررسی آن بر هر اهل علم و دوستدار تاریخ ضرورت دارد.

منابع

- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات مروارید.
- افیموف، آ، آدریاتف و...، تاریخ عصر جدید، فریدون شایان، محمدتقی فرامرزی، ۱۳۵۹، شباهنگ.
- اعتضادالدوله. عباس میرزا، تاریخ روابط ایران و ناپلئون و...، ۱۳۶۳، زرین، تهران.
- بریتون. کرین، کالبد شکافی چهار انقلاب، محسن ثلاثی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ تهران، سیمرغ.
- پالمیر. رابرت روزول، تاریخ جهان نو، ابوالقاسم طاهری، جلد یک، چاپ سوم ۱۳۵۷، امیرکبیر.
- تارله. ی. و. ناپلئون، محمد قاضی، چاپ سوم، ۱۳۶۶، خوارزمی.
- توکویل. آلکسی. دو، انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، محسن ثلاثی، چاپ دوم ۱۳۶۹، تهران نقره.
- حکیمی. محمود، ناپلئون بناپارت، ۱۳۷۲، تهران، امیرکبیر.
- دومای. آلکساندر بزرگ، تاجگذاری و مرگ ناپلئون بناپارت، شاهزاده حشمت‌السلطان، ۱۳۳۳، تهران، گنج دانش.
- دولاندلن. شارل، تاریخ جهانی، دکتر احمد بهمنش، جلد دوم، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، دانشگاه تهران.

- دولتشاهی. اسماعیل، تاریخ اروپا از کنگره وین تا جنگ جهانی دوم، اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران، دانشسرای عالی.
- دورانت. ویل و آریل، تاریخ تمدن، عصر ناپلئون، جلد ۱۱، اسماعیل دولتشاهی، علی اصغر بهرام بیگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، علمی فرهنگی.
- رادگان. عبدالرحیم، انقلاب کبیر فرانسه، چاپ دوم، شهریور ۱۳۵۰، محمدعلی علمی.
- رسو. ژان ژاک، قرارداد اجتماعی (اصول حقوق سیاسی) منوچهر کیا، چاپ دوم، بهمن ۱۳۵۲، گنجینه.
- رومن رولان، روبسیور، ترجمه محمدخاوری، چاپخانه نگارستان، تهران ۱۳۶۳
- سویول. آلبر، انقلاب فرانسه، عباس مخبر و نصراله کسرائیان دو جلد - نشر فرهنگ.
- فیشر. هربرت، تاریخ اروپا از انقلاب کبیر تا ظهور هیتلر، وحید مازندرانی، فروردین ۱۳۲۴، چاپخانه علمی.
- قرچه داغی. فریده، روبسیور و انقلاب، شهرام کامکار، ۱۳۵۷، مهر.
- کلیتی. برناردین، ماری آنتوانت، هوشنگ آذری، تهران، ۱۳۷۷، علمی فرهنگی.
- کوهن. آلوین استانفورد، تئوری انقلاب، علی رضا طیب، شرکت نشر قومس، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- لتیل فیلد. هنری. و. تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، فریده قرچه داغی (صحیحی) چاپ سوم، ۱۳۷۳، تهران، علمی فرهنگی.
- مینیه، انقلاب کبیر فرانسه، عبدالله مستوفی، مهرماه ۱۳۰۶ ش، تهران، ناشر مطبعه یشرق، محمد رضوانی.
- ماله. آلبر و ژول. ایزاک، انقلاب کبیر فرانسه و تاریخ قرن هیجدهم و امپراتوری ناپلئون، رشید یاسمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۲، تهران، امیر کبیر.
- وینوار. فرانسیس، ناپلئون، ایرج پزشک نیا، چاپ سوم، ۱۳۷۴، علمی فرهنگی.
- هوبز باوم. ا. ج. عصر انقلاب (اروپا از ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸)، علی اکبر مهدیان، ۱۳۷۴، ناشر مترجم.